

انتخابات و جنگ روانی

از مباحثی که در ایام تبلیغات انتخابات مورد توجه قرار می‌گیرد جنگ روانی است. این روزها هرچند که تا آغاز فعالیتها و تبلیغات قانونی، زمان زیادی باقی است ولی آنهایی که از فردای خود نگرانند و از باخت در عرصه رقابت واهمه دارند زودتر دست‌به‌کار شده‌اند تا شاید با تحریک احساسات و به‌کارگیری کلمات راست و دروغ و شایعات متعدد، بتوانند در جهت دادن افکار به نفع خود و دوستان موفق عمل نمایند.

برای جنگ روانی تعریفهای متعددی ارائه‌شده است و ساده‌ترین آن می‌گوید: جنگی است سرد، به‌منظور تسخیر عقل و اراده مردم.

فضای مجازی در استان اگر به‌طورکامل و بی‌طرفانه رصد شود این روزها به میدانی برای جنگ روانی و زمین‌گیر کردن رقبا در عرصه رقابت انتخاباتی تبدیل‌شده است.

گاهی با لطیفه و طنز سعی می‌کنند شایعه‌ای را رواج بدهند و به‌این‌ترتیب بر افکار عمومی تأثیر بگذارند و زمانی بحث تکرار را در دستور کار قرار می‌دهند. با توسل به این شیوه موضوعی را به دفعات تکرار می‌کنند تا آن را به صورت یک فکر و یک شعار در سطح جامعه درآورند و زمانی دیگر دست به دامن دروغ و تهمت می‌شوند، روشی که آسان‌ترین است و نیازی به سرمایه و امکانات خاص ندارد، کافی است که از خدا نترسی و شرف و وجدان را زیر پا بگذاری و یک مشت دروغ را در فضای مجازی منتشر بکنی.

مطلوب‌نمایی و تحریک احساسات یکی دیگر از شیوه‌های جنگ روانی است. چیزی که این روزها در میان نامزدهای احتمالی و طرفداران آنها به‌طور معمول قابل‌مشاهده است. خیلی‌ها که کارنامه‌ای برای دفاع و عملکردی برای ارائه ندارند در زیر این پوشش و نیرنگ تبلیغاتی می‌خواهند به حیات سیاسی نامشروع خود ادامه بدهند.

یکی دیگر از حربه‌هایی که در این‌راستا مورد استفاده قرار می‌گیرد انتشار شایعه است. با مهارت تمام نسبت به پخش یکسری شایعات در جامعه اقدام کرده و به تحلیل و تجزیه نظرات و دیدگاه‌های مردم در مورد آنها می‌پردازند. اگر نتیجه به‌دست‌آمده براساس اهداف آنها باشد به تکرار آن در سطح جامعه ادامه می‌دهند وگرنه آن را از رده‌خارج و برای برنامه‌ی جدیدی اقدام می‌نمایند.

پناه بردن به دامن اهانت و فحش از روش‌های ناپسندی است که مورد استفاده قرار می‌گیرد. وقتی در مواجهه با واقعیت‌ها و حقایق، توان ایستادگی نباشد و قدرت برخورد واقع‌بینانه با جریان‌های موجود در جامعه وجود نداشته باشد روی آوردن به اهانت و ناسزا در حق رقبا و طرفدارانشان به امر عادی تبدیل می‌شود. این شیوه اگر در حد افراطی باشد و دیوارهای حرمت و اخلاق را بشکند حتی به ضرر اوامر آن تمام می‌شود.

اساس تبلیغ اگر بر واقع‌نگری و حقیقت‌گرایی برپا شود به دل می‌نشیند و جریان‌هایی که در این راه به دنبال تحریف و سفسطه می‌روند در نهایت بازندگان عرصه تبلیغ می‌شوند.

آن‌هایی که در رقابت انتخاباتی کارنامه‌ای روشن و پیشینه‌ای قابل دفاع دارند نیازی به آویزان شدن از شیوه‌های جنگ روانی و تشنج آفرینی غیرمستقیم ندارند. آن‌ها مبنای کار خود را به شیوه واقعی و واقع‌بینانه و منطقی قرار می‌دهند و از به‌کار بردن ترفندها و سوژه‌های گمراه‌کننده دوری می‌کنند.